

(۱) ذکر قلاع (۱)

P 78b, 1.8 قلعه اصطخر، در جهان هیچ قلعه قدیم تر ازین قلعه نیست و هر احکام
 کی صورت بندد آنجا کرده اند و بعهد پیشدادیان آنرا سه گنبدان
 گفتندی و دو قلعه دیگر را (۱) کی بنزدیکی آنست (۲) یکی قلعه [شکسته] (۳)
 و دیگر قلعه [شکوان] (۴) و این (۵) هر دو قلعه (۶) ویران است عضد الدوله
 82a حوضی ساختست آنجا حوض عضدی گویند و چنانست کی درّه بودست
 بزرگ کی راه سیل (۷) آب قلعه بر آن درّه بودی پس عضد الدوله
 بریختگری (۸) روی آن درّه بر آورد مانند سدّی عظیم و اندرون آن
 بصهروج و موم (۹) و روغن و... بعد ما کی (۱۰) کرباس و قیر چند
 لا بر لا در آن گرفتند و احکامی کردند کی از آن معظم تر نباشد و این
 حوض است و (۱۱) بسط آن يك قفیز کم عسیری (۱۲) است و عمق آن هفده
 پایه است کی چون يك سال هزار مرد از آن آب خورند يك پایه کم
 P 79a شود و در میان حوض بیست ستون کرده اند از سنگ و صهروج و بر
 سر آن سقف حوض پوشیده و بیرون از آن دیگر حوضها آب و مصنعهها
 هست و عیب ابن قلعه آنست کی حصار بلیغ توان داد (۱۳) و سردسیر (۱۴)
 است مانند هوا اصفهان و کوشکها نیکو و سرابها خوش و میدان
 فراخ دارد،

82b قلعه بوشکانات، قلعه است محکم و در دست سیاه میل بن بهرست (۱۵)

(۱) — (۱) P om. (۲) P om. را. (۳) — (۳) P om. (۴) Supplied from the article on Ištakhr. See p. ۱۲۶ *supra*. (۵) P om. (۶) BP سیل. (۷) This seems to be the reading of both MSS. ریخته گری is the form given by the dictionaries. (۸) BP صوم. (۹) BP om. (۱۰) The text is corrupt. B seems to read ستر (سیر) و بیزوردند. P بیزوردند. (۱۱) P om. (۱۲) P که. (۱۳) P عسری. Neither reading makes sense. (۱۴) BP دارد. (۱۵) BP om. (۱۶) P بهرت.

است و بحکم آنک مردی است نیک آنرا در دست او رها کرد و از وی نستد و اکنون در دست او مانده است،

قلعه خرشه، بر پنج فرسنگی جهرم نهاده است و این خرشه کی این قلعه را بدو منسوب میکنند عاملی بود اعرابی از قبل برادر حجاج بن یوسف و مالی بدست آورد و این قلعه بساخت و در آنجا رفت و عاصی شد و ازین جهت روا نداشته اند کی هیچ عامل صاحب قلعه باشد چو^(۱) مال غرور در سر مردم آرد و قلعه غروری دیگر و کجا دو غرور در سر مردم شود ناچار فساد^(۲) انگیزد^(۳) و این قلعه خرشه جایی حصین است کی بچنگ نتوان ستدن^(۴) اما گرم سیرست معتدل،

قلعه رم روان، بنزدیک غندیجان^(۵) و آن حدودست قلعه محکم هوا آن ۱۰ 83a گرم سیرست و آب^(۶) از مصنعهها،

قلعه آباد، قلعه استوارست اما چون دیگر قلاع^(۷) است کی کوچک است و هوا آن معتدلست و آب از مصنعه است و بر آن جنگ است، قلعه خوار، حصاری است نه سخت^(۸) محکم هوا آن سردسیر معتدل است و آب آن از چاه است،

قلعه اصطهبانات^(۹)، هم قلعه عظیم است و حسوبه را است و چون انابک چاولی بچنگ حسوبه رفت و پس صلح کردند این قلعه را خراب P 79b کرد اکنون آبادان کردست،

دز اقلید، دبه^(۱۰) دزی است نه قلعه،

دز ابرج، کوهی است بالای ابرج کی یک نیمه آن محکم است و یک نیمه محکم نیست چنانک حصار^(۱۱) توان کردن و بستدن اما بتاختن و زودی

شدن BP (۴). انگیزد B (۳). فتنه و فساد P (۲). بو P (۱).

آبش P (۶). P the same sine punctis. عندجان B (۵). P om. (۷) — (۷).

اصطهبانات P (۹). و نه P adds (۸). P om. (۱۰). BP om. (۱۱).

83b بتوان سندن و آب روان درین دز می گذرد و از کوه بزیر^(۱) می افتد و آب دبه از آنست

قلعههای آبادان، این قلاع است کی یاد کرده آمد و بروزگار هفتاد و بیش^(۲) قلعه معروف در پارس بود و اتابک چاولی جمله بقهر بستد و خراب کرد جزین قلعه چند کی ذکر کرده آمد

قلعه اسپد دز، بقدم بوده بود اما از سالها دراز باز خراب شده بود چنانک کسی نشان نتواند داد کی بچه تاریخ آبادان بودست و ابو نصر تیرمردانی پدر باجول^(۳) در روزگار فتور آنرا عمارت کرد و این قلعه است کی گرد بر گرد کوه آن بیست فرسنگ باشد و حصار نتوان دادن

۱۰ و جای جنگ خود نیست و کوهی است گرد و سنگ آن سپید و بر سر قلعه خاکی است نرم سرخ و کشت کنند و باغهای انگور و بادام و دیگر

میوهها است و چشمهها آب خوش است و در آن گل هر کجا جایی فرو برند آب دهد و هوای آن سخت خنک است و خوش و غله بسیار دارد

اما عیب این قلعه آنست کی بهردم بسیار نگاه توان داشت و چون پادشاه مستقیم قصد آنجا کند مردم بومی باشند کی آنرا بدزدند^(۴) و میان

این قلعه و نوبنجان دو فرسنگ باشد و در زیر این قلعه دزکی است کوچک محکم استک گویند آنرا و پیرامن این قلعه نخچیر گاهها کوهی است

بسیار و کوشکها نیکو دارد و میدان فراخ دارد

قلعه سهاره، کوهی است عظیم بچهار فرسنگی فیروزآباد و عمارت این قلعه

مسعودیان کردند و جایی سخت نیکو است و هوا آن سردسیر و آبها

خوش و در میان آبادانها است و خراب نمی توان کردن کی شبانکاره

بدست گیرند و بزرگ جایی است و غله سالها بهاند

چاچون P. باجون B. (۳) سه P. بس B. (۲) بر P. بربر B. (۱)

(۴) Text corrupt. Perhaps we should read آبرا for آنرا. Cf. آب دزدی below.

قلعه کارزین^(۱)، قلعه است نچنان محکم کی این دیگر قلاع و گرم سیر سخت است و بر کنار رود ثکان نهاده است و آب دزدی کرده اند کی آب قلعه از آنجاست،

قلعه سیران، قلعه استوار است بنزدیکی جویم ابی احمد و گرم سیر است و آب مصنعه دارد،

قلعه خوادان، قلعه محکم است در نواحی بسیار و هوا آن معتدلست و آب مصنعه دارد،

قلعه خرّمه، قلعه محکم است در میان عارنیا و هوا آن معتدل و آب مصنعه دارد،

قلعه تیر خدای، این قلعه بخیره^(۲) است و قلعه است سخت عظیم بر کوهی بغایت بلندی و از بهر آن این را تیر خدای خوانند و بر آن جنگ نیست و هوا آن سردسیر است و آب آن از مصنعه است،

قلعه اصطخر، قلعه است سخت عظیم و از این سبب آنرا اصطخر یار نام P 78b نهاده اند یعنی یار اصطخر است و هوا آن معتدلست و آب چشمه و مصنعه دارد،

قلعه پرگ و تارم، قلعه پرگ بزرگست و محکم و بچنگ نتوان شدن^(۳) و قلعه تارم چنان نیست بمحکمی و هوا هر دو گرم است و آب از مصنعه^(۴)،

قلعه رنیه، در تنگ رنیه است و قلعه است سخت استوار و بزرگوار و حکم دارا مجرد^(۵) آنکس را باشد کی آن قلعه دارد و هوا آن خوش است ۲۰ و آب چشمه و مصنعه^(۶) کرمانیان دارند،

83b, col. 2

آب مصنعه است P (۴). شدن BP (۳). بخیره P (۲). کارزین B (۱).
آب از چشمه و مصنعه دارد P (۶). دارا مجرد B (۵).

قلعه جنبد ملغان، قلعه است کی بیک تن نگاه توان داشت از محکمی
و هوا معتدل دارد و آب مصنوعی و غله در آنجا سالی سه چهار بدارد،
قلاع ابراهستان^(۱)، پیش از آنست کی^(۲) بر توان شهردن کی بهر دیهی
حصاری است اگر بر^(۳) سنگ و اگر سر تل و اگر بر زمین و هه
گرم سیر بغایت^(۴)،

P 79b, l. 6 مسافتهاء پارس، ابتداء این مسافتهاء از شیراز کرده آمد بحکم آنک
میانه ولایت است از شیراز تا حدود اصفهان راه جاده سه راهست راه
مایین و رون، راه اصطخر، راه سبیرم، ازین جملت راه مایین و رون
از شیراز تا یزدخواست کی حد است میان پارس و اصفهان پنجاه و دو
۱. فرسنگ منزل اول از شیراز تا دیه گرگ از نواحی شیرازست شش
فرسنگ منزل دوم سر پول^(۵) رود گر شش فرسنگ منزل سوم مایین
چهار فرسنگ منزل چهارم کوشک شهریار^(۶) از دشت رون^(۷) است^(۸)
84a شش فرسنگ منزل پنجم دیه باشت^(۹) از دشت آورد است شش فرسنگ
منزل ششم کوشک زر از دشت آورد^(۱۰) است هفت فرسنگ منزل
۱۰ هفتم دیه گوز^(۱۱) هفت فرسنگ منزل هشتم یزدخواست ده فرسنگ،
راه اصطخر هم از^(۱۲) یزدخواست بیرون آید بر صوب^(۱۳) اقلید و سمرق
شست و نه فرسنگ این راه درازترست اما راه زمستانی اینست کی دیگر
راهها بیندد،^(۱۴)
منزل اول از شیراز تا زرقان هفت فرسنگ منزل دوم پاودست^(۱۵) شش
۲۰ فرسنگ منزل سوم اصطخر چهار فرسنگ منزل چهارم که شش فرسنگ

(۱) B ایراهیان. (۲) B om. (۳) P om. (۴) P adds است.
(۵) P پل. (۶) — (۶) P om. (۷) B دوان. (۸) B باشب. P داشت.
(۹) P آورده. (۱۰) BP کور. (۱۱) B om. (۱۲) B صورت.
(۱۳) P بسته کرد بدین تفصیل (۱۴) In B the first letter is unpointed.

منزل پنجم كههنگ⁽¹⁾ چهار فرسنگ منزل ششم ديه بيد هشت فرسنگ
 منزل هفتم ديه پولند هفت فرسنگ منزل هشتم سرق هفت فرسنگ منزل P 80a
 نهم آباده پنج فرسنگ منزل دهم شورستان هفت فرسنگ منزل يازدهم
 بزخواست هشت فرسنگ

84b راه سهيرم، از شيراز تا سهيرم چهل پنج فرسنگ⁽²⁾ منزل اول از شيراز
 تا جويم پنج فرسنگ منزل دوم بيضا سه فرسنگ منزل سوم طور چهار
 فرسنگ منزل چهارم تير مايجان⁽³⁾ كامفيروز پنج فرسنگ منزل پنجم جرمق
 چهار فرسنگ منزل ششم كورد چهار فرسنگ منزل هفتم كلار پنج
 فرسنگ منزل هشتم ديه ترسان⁽⁴⁾ هفت فرسنگ منزل نهم سهيرم هشت
 فرسنگ

و از شيراز تا كرمان براه جاده سه راهست راه رودان⁽⁵⁾، راه
 شيرجان⁽⁶⁾، ره برگ و تارم

⁽⁷⁾ راه رودان⁽⁷⁾، از شيراز تا رودان⁽⁸⁾ هشتاد و پنج فرسنگ

منزل اول سر بند⁽⁹⁾ عضدي ده فرسنگ منزل دوم ديه خوار ده فرسنگ
 منزل سوم آباده ده فرسنگ منزل چهارم ديه مورد شش فرسنگ منزل
 پنجم صاهه⁽¹⁰⁾ هفت فرسنگ منزل ششم رازان يازده فرسنگ منزل هفتم
 شهر بابك هفت فرسنگ منزل هشتم مشرعه ابرهيمي هفت فرسنگ منزل
 نهم رودان هفت فرسنگ

⁽¹¹⁾ راه شيرجان⁽¹¹⁾، ⁽¹²⁾ از شيراز⁽¹²⁾ تا شيرجان⁽¹³⁾ هشتاد فرسنگ

85a منزل اول ديه بودن⁽¹⁴⁾ چهار فرسنگ منزل دوم دو ده داريان سه

است از قرار تفصيل كه داده آيد P adds (2) . لمهنگ BP (1)

(3) Defectively pointed in both MSS. (4) بوسان P (5) دوزان P

(6) P صاهه (7) بندى B (8) P om. (9) شيرجان P

(10) B انجا (11) B om. (12) B واه شيران (13) P om. (14) بودن B

(15) بودن B

فرسنگ منزل سوم خرّمه هفت فرسنگ منزل چهارم کت^(۱) شش فرسنگ
منزل پنجم خیره هفت فرسنگ منزل ششم نیریز نه فرسنگ منزل هفتم
قطره^(۲) هفت فرسنگ منزل هشتم مشرعه هفت فرسنگ منزل نهم پربال
پنج فرسنگ منزل دهم و یازدهم مشرعه مهفته^(۳) پانزده فرسنگ منزل دوازدهم
بر کنار نمکلاخ شیرجان^(۴) ده فرسنگ،

راه برگ و نارم، از شیراز تا آنجا هشتاد^(۵) فرسنگ، منزل اول ماهلویه
شش فرسنگ منزل دوم سروستان نه فرسنگ منزل سوم دبه کرم نه
فرسنگ منزل چهارم پسا پنج فرسنگ منزل پنجم هفت ده و فستجان
هفت فرسنگ منزل ششم تا اول حدود دارابجرد چهار فرسنگ منزل
هفتم دارابجرد شش فرسنگ منزل هشتم رستاق^(۶) الرستاق شش فرسنگ
منزل نهم برگ دوازده فرسنگ منزل دهم نارم ده فرسنگ،

و از شیراز تا سرحد خوزستان شصت و دو فرسنگ^(۷) 856
P 806

منزل اول جویم پنج فرسنگ منزل دوم خلار پنج فرسنگ منزل سوم
خرّاره پنج فرسنگ منزل چهارم دبه گوز از^(۸) نیرمردان چهار فرسنگ
منزل پنجم کونجان^(۹) سه فرسنگ منزل ششم نوبنجان سه فرسنگ منزل
هفتم خوابدان چهار فرسنگ منزل هشتم کشن شش فرسنگ منزل نهم
گنبد ملغان پنج فرسنگ منزل دهم صاهه^(۱۰) چهار فرسنگ منزل یازدهم حبس
چهار فرسنگ منزل دوازدهم فرزک^(۱۱) شش فرسنگ منزل سیزدهم ارّجان
چهار فرسنگ منزل چهاردهم بوستانک چهار فرسنگ،

۲۰ و از شیراز تا ساحلیات جنّابا و سینیز^(۱۲) و مهربان شصت و دو
فرسنگ،

سیرجان P (۴). مهفته P (۳). فطره P (۲). کشت P (۱).
از قرار تفصیل است P adds (۷). فرستاق BP (۶). هشتاد BP (۵).
صاهه P (۱۰). کونجان B (۹). کوزار P. کوزار B (۸).
سینیز P. sine punctis B (۱۲). نوزک P (۱۱).

منزل اول جزجیرکان^(۱) چهار فرسنگ منزل دوم دشت ارزان شش فرسنگ منزل سوم کازرون ده فرسنگ منزل چهارم خشت نه فرسنگ منزل پنجم توج هفت فرسنگ منزل ششم دبه مالک چهار فرسنگ منزل 86a هفتم و^(۲) هشتم جنابا ده فرسنگ منزل نهم سینیز^(۳) شش فرسنگ منزل دهم مهربان شش فرسنگ،

و از شیراز تا اعمال سیف سی و نه فرسنگ^(۴)،

منزل اول ماصرم^(۵) هفت فرسنگ منزل دوم رودبال ستجان شش فرسنگ منزل سوم جرّه سه فرسنگ منزل چهارم غندجان^(۶) چهار فرسنگ منزل پنجم رم^(۷) الذیوان شش فرسنگ منزل ششم توج شش فرسنگ منزل هفتم سیف هفت فرسنگ،

و از شیراز تا نجیرم شصت و پنج فرسنگ، چهار منزل تا غندجان^(۸) هم برین راه کی یاد کرده آمد^(۹) بیست فرسنگ منزل پنجم بوشتکان هفت فرسنگ منزل ششم بوشتکانات پنج فرسنگ منزل هفتم دبه شنانا ده فرسنگ منزل هشتم ماندستان هشت فرسنگ منزل نهم آخر ماندستان هفت فرسنگ منزل دهم نجیرم هشت فرسنگ،

و از شیراز تا سیراف براه فیروزآباد هشتاد و شش فرسنگ، منزل اول 86b کفره پنج فرسنگ منزل دوم کوار پنج فرسنگ منزل سوم خنیفقان^(۱۰) پنج فرسنگ منزل چهارم فیروزآباد پنج فرسنگ منزل پنجم صباکان هشت فرسنگ منزل ششم هیرک^(۱۱) هفت فرسنگ منزل هفتم کارزین پنج فرسنگ منزل هشتم لاغر هشت فرسنگ منزل نهم کران هشت فرسنگ منزل دهم ۲۰ چهار منزل از کران تا سیراف سی فرسنگ،

(۱) P جزجیرکان. (۲) BP om. (۳) P سینیز. (۴) P adds

رو. P روا. (۷) B. غندجان BP (۶). مادرم P (۵). است بدین تفصیل

حسفقان BP (۹). کرده آمد follow تا غندجان In P the words (۸)

هیرک P (۱۰).

P 81a و از شیراز تا یزد شصت فرسنگ، منزل اول زرقان شش فرسنگ منزل دوم [یاودست شش فرسنگ و تا اصطخر چهار فرسنگ] (۱) منزل سوم کمه (۲) شش فرسنگ منزل چهارم کمهنگ (۳) چهار فرسنگ منزل پنجم دیه بید (۴) چهار فرسنگ منزل ششم ابرقوبه دوازده فرسنگ منزل هفتم دیه شیر (۵) پنج فرسنگ منزل هشتم تومره بست (۶) چهار فرسنگ منزل نهم یزد نه فرسنگ (۷)

87a احوال شبانکاره و گرد (۸) یارس، بروزگار قدیم شبانکاره را در یارس ذکری نبود کی ایشان قومی بودند کی همیشه ایشان شبانی و هیزم کشی و مزدوری بودی و باخر روزگار دیلم در فتور چون فضلوپه فرا خاست ایشانرا شوکتی پدید آمد و بروزگار زیادت می گشت تا همگان سپاهی و سلاح ور و اقطاع خوار شدند و از جمله ایشان اسمعیلیان اصیل اند و نسب و حال شبانکارگان اینست،
 اسمعیلیان، نسب ایشان با بطنی (۹) می رود از فرزندان منوچهر سبط آفریدون کی پادشاه نبودند آن بطن اما از جمله اسمعیلیان (۱۰) بودند و در عهد اسلام چون لشکر عرب یارس بگرفتند این قوم را چون دیگر یارسیان قهر کردند و آواره شدند و بشبانی و گوسپندداری افتادند و مقام بضادشوریانان کردند از دشت آورد (۱۱) و آنجا مرغزار و آبست و این اسمعیلیان را چهارپا و گوسپند جمع آمد و نیز قوی تر شدند پس

(۱) Instead of the words within brackets the MSS. have اصطخر
 اصطخر. See the note in Mr Le Strange's translation.
 (۲) B کمهنگ. P کمهنگ. (۳) B کمهنگ. P کمهنگ. (۴) P بد.
 (۵) P شیر. (۶) P بست. (۷) Here P proceeds: اکنون فصلی
 در شرح حال شبانکاره و کردان یاد کرده شود چنانکه فرمان اعلاه الله
 کردان (۸) P بود و کتاب بدان ختم افتد والله هو المعین
 آورد (۹) P باطنی. (۱۰) P اسمعیلیان. (۱۱) P آورد.

چون سلطان مسعود باصفهان آمد و^(۱) تاش^(۲) فراش را بگماشت و آن روزگاری بود باضطراب این اسمعیلیان^(۳) در اعمال اصفهان دست درازی می کرده اند و راه میداشتنند تاش^(۴) فراش تاخین آورد و ایشانرا P 810 بغارتید و خلقی را بکشت و دیگران بگریختند و بکبه و فاروق رفتند و یکجندی آنجا می بودند و پادشاهان پارس دیلم بودند پس ایشانرا رضا نکردند کی آنجا باشند^(۵) و همه ساله از کوه بکوه می گشتند تا بآخر روزگار باکالنجار رفتند و دارا مجرد بدست گرفتند و دولت دیلم بانجام رسیده بود و دفع ایشان نتوانستند کردن و ایشان بسیار شدند و قومی^(۶) گشتند و اصل این قوم در آن وقت دو برادر بودند یکی محمد بن یحیی و این محمد پدر سلك بود کی حسویه پسر اوست و دیگر نهرد بن یحیی و این نهرد^(۷) پدر ما بود کی 876 ابراهیم بن ما پسر اوست و محمد بن یحیی برادر بزرگتر بود و دارا مجرد بحکم او بود و در فترت دیلم این محمد بن یحیی کی جد حسویه بودست پنج نوبت زد و این معنی آیین ماند میان ایشان تا اکنون کی انا بک چاولی بر داشت و چون محمد بن یحیی فرمان یافت از وی دو پسر ماند یکی بیان نام و دوم سلك و بیان بحکم آنک پسر بزرگتر بود بجای ۱۰ پدر نشست و عم او نهرد کی جد ابراهیم بن ما بود بیانرا بکشت و دارا مجرد بدست گرفت و در آن وقت فضلویه مستولی بود سلك نزدیک فضلویه رفت و بوی استعانت کرد و مدد آورد تا خون برادر خواهد فضلویه این اعمال کی اکنون حسویه دارد بدو داد^(۸) ایج و فستجان اصطهبانات دراکان^(۹) بعضی از دارا مجرد و چند نواحی دیگر و سلك ۲۰ پایگاه خویش محکم گردانید و خصومت میان او و نهردیان قایم گشت و آن خلاف میان بنی اعمام همچنان مانده است،

(۱) P om. (۲) P تاش. (۳) BP add را. (۴) P باشد.
 (۵) P قوی. (۶) B محمد. (۷) P adds اینست. (۸) P داکان.

P 82a رامانیان^(۱)، این قوم قبیلهٔ فضلویه بودند و زعیم ایشان پدر فضلویه بود نام او علی بن الحسن بن ایوب و همگان شبانی کردند و این فضلویه بکار خویش و شبانی مشغول بودی پس فضلویه بخدمت صاحب عادل رفت و این صاحب وزیری بود سخت قوی و متمکن و با رأی و تدبیر و صرامت و سپاهسالاری بودی جایی^(۲) نام کی صاحب را با او رأی نیکو بود پس فضلویه را بلجج او بر می کشید تا بدان درجت رسید و چون ملک دیلم صاحب را بکشت فضلویه خروج کرد و او را بگرفت و بقلعهٔ پهنندز^(۳) محبوس کرد و مادر ملک ابو منصور زنی مطربه^(۴) بود خراسویه نام و همانا هراگنده می زیست و سبب زوال ملک دیلم نابکاری آن زن بود و فضلویه این خراسویه مادر ملک ابو منصور بگرفت^(۵) و در گرمای گرم کرد بی آب^(۶) تا در آنجا هلاک شد و ملک ابو منصور را^(۷) در آن قلعه هلاک کرد و پارس بدست گرفت و شبانکارگانرا بر کشید و نان پاره و قلاع داد و از آن وقت باز مستولی گشتند پس ملک قاوورد^(۸) رحمه الله پارس آمد و میان او و فضلویه جنگ قائم شد و از آن سال باز پارس خراب شد پس فضلویه بدرگاه سلطان شهید الپ ارسلان قدس الله روحه رفت و رایات منصوره را سوی پارس کشید و پارس بضمآن بفضلویه دادند و باز عاصی شد و بر دز خرشه رفت و نظام الملک رحمه الله^(۹) حصار داد او را^(۱۰) تا او بزیر آمد و گرفتار شد و او را بقلعهٔ اصطخر باز داشتند و آن قلعه را بدست گرفت تا بدانستند و او را بگرفتند و پوستش پر گاه کردند ۲۰ اکنون ازین رامانیان قومی مانده اند و مقدم ایشان ابراهیم بن رزمان و مهبت است و این پسر ابو نصر بن هلاک^(۱۱) شیبان نام از ایشان، P 82b

(۱) B possibly reads راهانیان. (۲) B جایی. P جائی. (۳) B پهنندز. (۴) B مطربه. P مطویه. (۵) B گرم کردنی آب. (۶) B در گرمای گرم کرد بی. (۷) BP قاوورد. (۸) P om. (۹) B او را. (۱۰) P om. (۱۱) P او را و.

کرزویان^(۱)، این قوم آند کی ابو سعد ازیشان^(۲) کردندى و چوپانى و شبانى کردندى و مقدم ایشان محمد بن مها بود پدر ابو سعد و فضلويه اورا بر کشید همچون دیگر شبانکارگان و سپاهی شد و بعد ازین ابو سعد بخدمت عمید الدوله پارس رفت و اورا بلجاج دیگر اصحاب اطراف پارس بر کشید و چون روزگار فتور در آمد مستولی گشت و کازرون و آن اعمال بدست گرفت تا اکنون کی اتابک چاولی اورا بر داشت و ازین کرزویان هیچ معروف نماندست جز این فضلويه بن ابی سعد و دیگر اتباع اند،

مسعودیان، قومی مجهول اند بی اصل و ایشانرا فضلويه بر کشید و قلعه سهاره بدیشان داد و رکن الدوله خبارنگین اقطاعی اندک داده بود ایشانرا و دو پسر را از آن شاهنشاه ری کی اورا مجد الدوله گفتندی باول عهد جلالی فیروزآباد فرستاده بودند و آنجا بگه باقطاع بدیشان داده 886 و امیرویه مسعودی کی مقدم ایشان بود این هر دو پسر را بگشت و فیروزآباد بدست گرفت بعد از عهد جلالی و قومی شدند و پس بیشترین اعمال شاپور خوره بدست گرفت^(۳) و قومی شد^(۴) و پس از آن بروزگار ابو سعد کازرون ناختن برد و امیرویه را بگشت بشیخون و پسری داشت و شناسف نام و بجانب حسویه بیوست و فیروزآباد بر وی مقرر داشت و چون اتابک چاولی پارس آمد^(۵) همگانرا قمع کرد و از معروفان ایشان سیاه میل ماندست و تنی چند دو از پسران ابو الهج^(۶) و دیگر اتباع اند، P 83a

شکانیان، قومی شبانکاره کوهنشین اند مردمانی باشند منسد رادزن و مقام در قهستان گرمسیر دارند و اکنون ضعیف حال اند و اتابک ایشانرا عاجز گردانیدست و سران ایشان هلاک کرده و بر داشته،

(۱) کرزویان P. کرزویان B (۲) Some word or words have fallen out here. (۳) — (۴) P. و قومی شدند (۵) BP add. (۶) So in both MSS.

ذکر کردان پارس، بروزگار کردان پارس پنج رم بوده اند هر يك رم
صد هزار حومه^(۱) بدین تفصیل^(۲)،

رم جیلویه^(۳)،

رم الذیوان^(۴)،

رم اللوائجان^(۵)،

رم الکاریان^(۶)،

رم البازنجان^(۷)،

و چندان شوکت کی لشکر فاسرا بودی ازین کردان بود کی سخت بسیار
بودند و پارسیان^(۸) و سلاح و چهارپایان و در عهد اسلام همه در جنگها
کشته شدند و در جهان آواره^(۹) ماندند و هیچ کس از آن کردان نماند
مگر يك مرد نام او علك بور^(۱۰) و مسلمان شد و نژاد او هنوز مانده است
و این دیگر کردان کی اکنون پارس اند جماعتی بودند کی عضد الدوله
ایشانرا از حدود اصفهان آورده بود و نسل ایشان بهاند، اینست
ماجرای احوال پارس و پارسیان،

۱۰ و اما آنچ استنهام فرموده بودند کی مردم پارسرا خواری سازد یا
نیکویی معلوم شد و فرمان اعلاه الله ممثل^(۱۱) گشت و قاعدهٔ پادشاهی در
89a جهان بر عدل و سیاست و نیکویی نهادست و چنان باید کی هر يك را
بجای خویش بکار برند و اگر آنجا کی سیاست باید نیکویی کنند^(۱۲) یا
آنجا کی نیکویی باید سیاست کنند زبان کار باشد و چنانک متنهی^(۱۳)
۲۰ گفتست

(۱) BP جومه. (۲) See Iṣṭakhrī, pp. 98—99. (۳) B جیلویه.
(۴) B الذیوان. (۵) B اللوائجان. P اللوائجان. (۶) B الکاریان.
(۷) B البادسجان. P البادسجان. (۸) Corrupt. Read, perhaps, با اسباب.
(۹) B آواره. (۱۰) P بود. (۱۱) P ممثل. (۱۲) P کند.
(۱۳) B منشی. P منشی. The verse occurs in Dieterici's edition of the
Dhwān of Mutanabbī, p. 533.

(۱) بیت

وَوَضِعُ النَّدَى فِي مَوْضِعِ السَّيْفِ بِأَعْلَى
مُضِرًّا كَوْضِعِ السَّيْفِ فِي مَوْضِعِ النَّدَى

P 83b

معنی آنست که سخاوت بجای شمشیر نهادن همچنان زیان کار باشد که شمشیر بجای سخاوت نهادن،

- و سپاهیان پارس چون شبانکاره و غیر ایشان مردمانی اند زبونگیر چون امیری یا والی کی بیپارس رود با^(۱) سیاست و هیت باشد همگان از وی بشکوهند و زبون و مطیع او گردند و چون با سیاست و هیت داد گسترد^(۲) و دهندد باشد یکبارگی دست برد و اگر این امیر با والی سست‌رگ باشد و خواهد تا آن مردم را بلطف و نیکوئی بدست آرد زبون و پای مال کنند و بر وی مستولی گردند و گویند حجاج بن یوسف چون برادرش^(۳) محمدرا^(۴) بوالی پارس فرستاد در جمله وصیتها کی اورا می کرد چنین گفت انّ النّرس من فحولة الرجال ولا یتسکّن من نواصیهم الا بکفین احدهما مفیض^(۵) الدم و الآخر فایض^(۶) بالدینار و الدرهم یعنی پارسیان فحلان مردان اند و ایشانرا مسخر نتوانی کردن الا بدو کف دست کی يك خون بارد و دیگری زر و سیم و چون محمد بن یوسف چنین کرد دست بسرد و ولایت صافی گردانید اما البته با ایشان لطف و نرمی بکار نیفتد و گفته اند کی اگر دستار شبانکاره سیاست بر داری و باز بوی^(۷) دهی منت بیشتر از آن دارد کی بروی خندان دستاری دیگر بدو دهی همدارد از نرس می دهی و بعضی از رعایاه آنجا کی در ابراهستان و قهستانها اند ایشانرا همان اولیتر کی سیاست دارند اما دیگر رعایاه آن ولایت دعا گویان دولت قاهره ثبتها الله اند و از روزگار

P 84a

سترود. P لسترود or سترود (۲) B om. (۳) P نظر. (۱) P om. (۴) B وی. (۵) P om. (۶) P یفیض. (۷) P om. (۸) P مجدرا. (۹) P om.

گذشته باز^(۱) کوفته و رنجورند و مستوجب رحمت و نظر جمیل حق تعالی
896 سابه دولت قاهره^(۲) بر دین و اسلام و مسلمانان^(۳) پاینده دارد بینه و
جوده،

و اما قانون مال پارس، در تواریخ چنین آمده است کی بعهد ملوک
فارس تا روزگار کسری انوشروان مال ولایتها بر قسمت ثلث یا ربع و
یا خمس سندنندی بقدر موجود ارتفاع و سیل پارس همان دیگر جایها
بودی اما چون کسری انوشروان قانون خراج همه جهان نهاد خراج
پارس سی و شش هزار هزار درهم بر آمد چنانک سه هزار هزار دینار باشد و
بابتدای عهد اسلام چون پارس بگشادند خود مدتی قتل و غارت [و] گرفت
و^(۴) گیر بود تا آنگاه کی صافی شد و خرابی و خلل کی راه یافته بود
بروزگار نلافی افتاد و بعهد عبد الملک بن مروان چون حجاج بن یوسف
برادرش محمد بن یوسف را بر پارس والی گردانید و شیراز را بنا کرد و
بسیار عمارتها در پارس بکرد^(۵) مجموع معاملات پارس کی بیست^(۶) با
عشر کشتیهای دریا سی هزار هزار درم^(۷) و در کتاب خراج کی جعفر بن
قدامه^(۸) کرده است میگوید خراج پارس بعهد هرون الرشید رحمه الله^(۹)
دو هزار هزار دینار^(۱۰) بوده است^(۱۱) و چون فتنه محمد الامین و قتل و
افساد افتاد^(۱۲) جمله جرابد در غارت بردند و بسوختند پس چون مأمون
در خلافت متمکن گشت از نو قانونها ساخت و مجموع مال پارس و
کرمان و عمان دو هزار هزار ششصد هزار دینار کردند مجمل و این قانون

و BP add (۴) P om. (۳) P adds (۲) BP (۱) P om. (۵) BP add (۶) B بیست (۷) BP add مؤخر (مؤخر) This and (۸) The author ought to have written جعفر بن جهم (۹) P om. (۱۰) B in marg. and P add مقدم (see note ۱۰ below) are probably glosses indicating that the totals of revenue, which precede them in each case, should be transposed. (۱۱) B است (۱۲) I have supplied افتاد which would easily fall out after افساد.

در سنه مائتین^(۱) بستند و بعد از آن علی بن عیسی قانونی برین جماعت P 84b
ببست در عهد البقتدر بالله رضی الله عنه و نسخت آن قدر کی بیارس^(۲)
و کرمان^(۳) تعلق داشت اینست،

مجموع مال پارس و کرمان و عمان بر استیفاء^(۴) معامله سنه^(۵) زر سرخ 90a
دو هزار هزار و سیصد و سی و یک هزار و هشتصد و هشتاد دینار،
از آن^(۶) پارس و اعمال آن با معامله سیراف و عشر مرکبها دریا هزار
هزار هشتصد و هشتاد و هفت هزار و پانصد دینار،
ازین جماعت^(۷) پارس و اعمال آن بیرون از سیراف هزار هزار ششصد
وسی و^(۸) چهار هزار و^(۹) پانصد دینار،

سیراف با عشر مرکبها دریا دویست و پنجاه و سه هزار دینار،
کرمان و عمان چهار صد^(۱۰) و چهل و چهار هزار و سیصد و هشتاد دینار،
ازین جماعت کرمان و اعمال آن بیرون از مال فهل و فهرج و بیرون از
مالی^(۱۱) کی بنام وکیل امرا مفرد^(۱۲) شدست و بیرون از مالی کی در وجه
حرمین نهاده آمدست و مونس خادم تحصیل آن میکند بماند آنچه خاص
دیوان عزیز^(۱۳) است خالصاً سیصد هزار و شصت و چهار هزار و سیصد و
هشتاد دینار است،

مواضعه عمان هشتاد هزار دینار^(۱۴)،

در آن روزگار امرا پیشکاران^(۱۵) خلیفه را خواندندی هیچ کس را امیر P 85a
نگفتندی مگر ایشانرا مالکان^(۱۶) املاک^(۱۷) از سر ملکها برفته بودند 90b

بکرمان P (۴) BP om. (۳) P om. (۲) فائن P. ماین B (۱)

بسته Perhaps BP sine punctis. (۶) استیفاء P. استیبال B (۵)

اعمالی B (۱۰) هزار BP (۹) B om. (۸) P om. (۷) — (۷)

B om. (۱۳) — (۱۳) عسور or عسور P. عرر B (۱۲) مفروز P (۱۱)

و املاک P (۱۶) BP om. (۱۵) پسران P. پسران B (۱۴)

بیشترین از جور و قسمتها کی بریشان می رفت و از آن عهد باز اقطاع پدید آمد کی مالکان املاک باز گذاشتند و اگر نه پیش از آن همه ملک بود و چون نوبت بعضد الدوله رسید چندان عمارت کرد کی آنرا حد نبود از بندها و نواحی ساختن و در عهد او مجموع مال پارس و کرمان و عمان با عشر مشرعه دریا بسیراف و مہروبان سه ہزار ہزار سبصد و چهل و شش ہزار دینار،

پارس با عشر مرکبها کی بسیراف بیرون آمد و مہروبان دو ہزار ہزار صد و پنجاه ہزار دینار ازین جہلت شیراز و گرد فنا خسرو سبصد ہزار و شانزده ہزار دینار،

۱۰ کرمان و تیز^(۱) و بلوک^(۲) ہفتصد و پنجاه ہزار دینار،

مواضعه عمان بیرون از فرع صد و سی ہزار دینار،

و پارس و این اعمال تا آخر عهد باکالبتجار بر حال عمارت بود و چون او گذشتہ شد فرزندان او پنج پسر بودند اما ابو نصر کی مہترین فرزندان او بود بزودی گذشتہ شد^(۳) بعد از پدر و ملک باہو منصور رسید و وزیری

۱۰ بود معروف بصاحب عادل و نظام آن مہلکت نگاہ میداشت پس

منسدان ملک ابو منصور را بر آن داشتند کی این صاحب را و پسرش را

ناگاہ بکشت از سرجهالت و کودکی^(۴) کار آن مہلکت زیر بالا شد

P 85b و بی مدبر ماند پس فضلویہ خروج کرد و ابو منصور را و مادرش را

بگرفت و ہلاک کرد چنان کی شرح دادہ آمدست،^(۵)

و B adds (۱) و BP add (۲) ملوک BP (۳) بیرو P. بیز B (۴)

(۵) What follows in B is illegible. P has کتب (تمت) الکتاب بعون

فهرست الرجال والنساء

اردشیر بن شیرویه: ۲۴: ۱۰۹-۱۰۸	آدرنسی: ۲۵
اردشیر بن هرمز بن نرسی: ۲۱: ۲۲	آدم: ابو البشر: ۹: ۲۶: ۸۴: ۸۷
۲۳	آزمی دخت بنت ابروین: ۲۵: ۱۱۰
اردوان آخرین: ۱۹: ۵۹	ابراهیم: النبی: ۱۶
اردوان بزرگ اشغانی: ۱۸	ابراهیم بن رزمان: ۱۶۶
اردوان بن بلاشان: ۱۸	ابراهیم بن مها: ۱۳۱: ۱۶۵
ارسطاطاليس: ۵۷: ۵۸	ابروین بن هرمز بن انوشروان: ۲۳
ارسلان: ۲۴	۱۰۹: ۹۹ - ۱۰۸: ۲۶: ۲۵
ارنک: ۱۲	اثنیا: ۱۱: ۱۲: ۱۳
ارونداسف: ۱۱	احشوارش: ۵۳
ازران: ۱۶	ادریس: النبی: ۱۰
اسپیدگاو: ۱۲	ارتدیخ: ۱۲
اسحق بن ابراهیم: ۱۶	ارجاسف: ۵۱: انظر خزراسف
ابو اسحق شیرازی: ۱۴۶	اردشیر بن بابک: ۲۰: ۱۹: ۵۹
اسفندیار بن وشناسف: ۱۵: ۵۱: ۵۲	۶۱: ۶۰: ۷۵: ۸۸: ۱۲۲: ۱۲۷
اسفور: برادر جمشید: ۲۳	۱۲۸
اسکندر رومی: ۸: ۹: ۱۵: ۱۶: ۱۹	اردشیر بهمن درازدست: ۵۲: انظر
۵۵: ۵۸-۵۶: ۶۳: ۱۲۷: انظر	بهمن بن اسفندیار
ذو القرنین	اردشیر بن شاهور بن یزدجرد الاثیم:
اش الحیار: ۱۶	۲۵
اشعری: ابو موسی: ۱۱۴: ۱۱۵: ۱۱۶	

اوتكدسب: ۲۴	اشقان: ۱۶
ایاس بن قیصه: ۱۰۵	اشك بن اشكان: ۱۷
ایرج بن افریدون: ۱۲: ۲۷	اشك بن دارا بن دارا: ۱۶: ۱۷: ۵۸
ایلاف: ۴۰	۵۹
اینکد: ۱۰	اشكان: ۱۷
ایونجهان: ۱۰	اشكهد: ۱۰
	اشه: ۱۶
بابك: ۱۹: ۲۰	اشین: مادر کیش: ۵۳
باجول: ۱۴۴: ۱۵۸	اصعی: ۲۱
بادان: ۱۰۶	افراسیاب ترك: ۹: ۱۲: ۱۳: ۳۷
باکالیحجار: ۱۱۹: ۱۲۱: ۱۲۷: ۱۳۳	۳۸: ۳۹: ۴۱: ۴۲: ۴۴: ۴۵: ۴۶: ۴۷
۱۷۲: ۱۶۵	۴۷
باینجور: ۲۴	افریدون بن اثنیان: ۲: ۱۲: ۱۱
بشادوس: ۱۰۲	۱۳: ۳۵: ۳۷-۳۶: ۱۶۴
بخت النصر: ۵: ۶: ۴۸: ۵۲: ۵۳	الاصفر: ۱۶
برازه: مهندس: ۱۲۷: ۱۲۸: ۱۳۱	البقن: ۱۶
برد: برادر هوشهنگ: ۱۰: انظر	الپ ارسلان: ۱۲۱: ۱۶۶
وبکرت	الیاس بن البسع: ۴۰
برد بن حارثة الیشکری: ۱۰۵	امیرویه مسعودی: ۱۶۷
برموده بن شابه: ۹۸	انطین: ۵۸: ۵۹
بریط: ۱۶	انکهد: ۱۰
بزرجمهر: ۸۹: ۹۱: ۹۲: ۹۷	انوش: ۲۵
بسطام: ۱۰۰: ۱۰۱	انوشروان بن قباد: کسری: ۲۳: ۸۵
بسفرخ: ۱۰۹	۸۶: ۸۷: ۹۸: ۸۸: ۱۱۰: ۱۱۲
بطلیبوس: ۱۶	۱۴۸: ۱۷۰
بلاش بن اشغانان: ۱۸	

بهرام بن شاپور بن هرمز: ۲۲: ۷۳	بلاش بن بهمن بن شاپور: ۱۷
بهرام شوبین: ۱۹: ۲۴: انظر بهرام	بلاش بن فیروز بن هرمز: ۱۷: ۱۸
چوبین	بلاش بن فیروز (پیروز) بن یزدجرد:
بهرام بن منوزا خسرو: ۲۵	۲۴: ۸۴
بهرام بن هرمز بن شاپور: ۲۰: ۲۱:	بلاشان بن بلاش بن فیروز: ۱۸
۶۳: ۶۴-۶۵: ۸۹	بلت النصر: ۵۳
بهرام جور بن یزدجرد: ۲۲: ۸۲: ۷۴	بلداحی: ۱۵۴
بهمن بن اسفندیار: ۱۵: ۱۹: ۲۰:	بندویه: ۱۰۰: ۱۰۱: ۱۰۲
۵۴-۵۲: ۶۰: ۱۴۰:	بن یامین: ۴۹: انظر ابن یامین
بهمن دخت بنت بهمن بن اسفندیار:	بوران: ۱۰۹: انظر بوران دخت
۵۴: ۱۵	بوران دخت بنت ابرویز: ۲۵: ۱۱۰:
بیان بن محمد بن یحیی: ۱۶۵	انظر بوران
بیدرفش: جادو: ۵۱	بورشسب: ۱۳
بیروشنک: ۱۲	بورک: ۱۳
بیژن بن گیو بن گودرز: ۴۶	بورگاو: ۱۲
بیشی بن گیومرث: ۲۶	بهرام بن اردشیر بن شاپور بن یزدجرد
بیفروست: ۱۲	الاثیم: ۲۵
بیل: ۱۳	بهرام بن بهرام بن بهرام بن هرمز:
بیوراسف بن ارونداسف: ۱۱:	۲۱: ۶۶-۶۵
۴۵-۴۴: انظر ضحاک	بهرام بن بهرام بن هرمز: ۲۱: ۶۵
برویز بن هرمز: انظر ابرویز بن هرمز	بهرام چوبین: ۹۸: ۹۹: ۱۰۰:
بروین: کشنده سیاوش: ۴۶: والصبح	۱۰۱: ۱۰۲: ۱۰۳: ۱۰۸: انظر
گرسیوز	بهرام شوبین
پیران: ۴۱: ۴۴: ۴۶	بهرام بن سیاوش: ۱۰۲
	بهرام بن شاپور بن اشک: ۱۷

جعفر بن قدامه: ۱۷۰	پیرگاو: ۱۲
جلالزین: ۱۰۵: ۱۰۶	بهرز بن یزدجرد بن بهرام جور: ۸۲
جمشید بن ویونجهان: ۱۰: ۱۱: ۱۲	۸۳: انظر فیروز بن یزدجرد
۲۴: ۲۹: ۳۵: ۳۶: ۶۴: ۱۲۵	پیری (?): ۵۵: ۵۶
۱۲۷	پیری اشغانی: ۱۹
جودرز اشغانی کوچک: ۱۹	ناز: ۱۱
جودرز بزرگ بن اشغانان: ۱۸: ۱۹	ناش: فراش: ۱۶۵
انظر گودرز اشغانی	تاجاترب: ۲۴
جوهر: ۲۵	تبات ابو کرب بن ملککرب: تبع:
جوهرمز: ۵۱: ۵۲	۵۰
چاولی: اتابک: ۱۲۸: ۱۳۰: ۱۴۱	تور بن افریدون: ۱۲: ۱۳: ۲۷
۱۴۶: ۱۵۱: ۱۵۲: ۱۵۷: ۱۵۸	تورج: ۱۳
۱۶۵: ۱۶۷	تسار: وزیر: ۶۰
حابی: ۱۴۱	ثورگاو: ۱۲
حام: ۲۶	جایی: ۱۶۶
حجاج بن یوسف: ۴: ۱۴۱: ۱۴۲	جاحظ: ۴۱
۱۵۷: ۱۶۹: ۱۷۰	جالوت: ۴۰
حزقیل: ۴۰	جاماسب بن فیروز بن یزدجرد: ۲۳
ابو الحسن بن ابی محمد فزاری: ۱۱۷	۸۵: انظر جاماسف بن فیروز
۱۱۸	جاماسب بن لهراسب: ۵۳
حسویه بن سملک: ۱۲۸: ۱۲۹: ۱۴۱	جاماسف بن فیروز بن یزدجرد: ۲۳
۱۵۷: ۱۶۵: ۱۶۷	انظر جاماسب بن فیروز
حسین بن علی بن ابی طالب: ۴	جریر بن عبد الله البجلي: ۱۱۲

دارا بن بهمن بن اسفندیار: ۱۵: ۵۴:	حنص: ۱۱۴
۱۳۰: ۱۲۹: ۵۵	حکم بن ابی العاص: ۱۱۴: ۱۱۴
دارا بن دارا بن بهمن: ۱۵: ۱۶:	حمزة بن الحسين الاصفهانی: ۸
۵۷: ۵۵ ۵۶: ۱۹	حنظلة بن ثعلبه: ۱۰۶
دانیال: ۶: ۵۴	خاقان ترکستان: ۲۴: ۷۸: ۷۹: ۸۰:
داود النبی: ۵: ۴۰:	۸۱: ۸۳: ۱۰۲: ۱۰۳:
دبیرقد: ۲۴: والصحیح دبیرقد	خراسویه: ۱۶۶
دینکان: ۱۱	خرزاسف بن کی شواسف: ۴۷: ۵۱:
دیوبند: ۱۰: انظر طهبوت	۵۲: انظر ارجاسف
دیونجهاد: ۱۰	خرشه: ۱۵۷
دیونجهان: ۲۹	خرماز بن ارسلان: ۲۴: انظر
ذا القرنین: انظر ذو القرنین	خرهان
ابو ذرّ بن ابی محمد فزاری: ۱۱۷	خرهان بن ارسلان: ۱۰۹: انظر
ذوالاذعار بن ابرهه ذی المنار: ۴۲	خرماز
ذو القرنین: ۸: ۱۶: ۵۶: ۵۹: ۱۴۷:	خسرو اشغانی: ۱۸
۱۴۲: انظر اسکندر رومی	خسرو بن ملادان: ۱۸
راه ارمن: ۱۳	خبان: برادر پیران: ۴۶
راحب: ۵۴	خبانی بنت بهمن بن اسفندیار: ۱۵:
راخعم بن سلیمان: ۵۴	۱۹: ۵۵: ۵۴
راضی: خلیفه: ۱۱۷	خبرابخت بنت یزدانداذ: ۲۵
راهزاد پارسی: ۱۰۵	خوخ: ۱۰
رستم بن دستان: ۴۱: ۴۲: ۴۳: ۵۲:	خوره زاد بن فرخ هرمز: ۱۱۲
	ابن الخیرتین: ۴: انظر علی بن
	الحسین

زین العابدین: ۴: انظر علی بن المحسین	رستم بن فرخ هرمز: ۱۱۰: ۱۱۱:
	۱۱۲
	رشتن (رشتین): وزیر: ۵۵: ۵۷
ساسان بن بهمن بن اسفندیار: ۱۵:	رکن الدوله خارتکین: ۳: ۲۹: ۱۲۳:
۱۹: ۲۰: ۲۵: ۵۴: ۶۰	۱۲۶: ۱۶۷
ساسان بن قشاقشاه: ۲۵	رمی گاو: ۱۲
شانیاسب: ۱۴	روشنک: بنت دارا بن دارا بن بهمن:
سپیدگاو: ۱۲	۵۶
سرجون: ۱۶	روشنک بن فرکور: ۱۲
سرجیس: ۱۰۲	روع: ۱۴
سطیح: ۹۷	روم: ۱۶
ابو سعد کازرونی: ۱۴۶: ۱۴۷: انظر	رومی: ۱۶
ابو سعد بن محمد	رومیه: ۱۶
ابو سعد بن محمد بن صبا: ۱۴۲:	
۱۴۶: ۱۶۷: انظر ابو سعد کازرونی	زاب: ۱۴: انظر زو
سعد وقاص: ۱۱۱: ۱۱۲	زاب زو بن طهباسب: ۱۴: انظر
سگانشاه: ۶۵: انظر بهرام بن بهرام	زو بن طهباسب
بن بهرام بن هرمز	زاب نودکان: ۱۴
سلک بن محمد بن یحیی: ۱۶۵	زادان فرخ: ۱۰۷
سلم بن افریدون: ۱۲: ۲۷	زرافه: عم کبیسرو: ۴۴: ۴۵
سلیمان النبی: ۲: ۴۰: ۵۰: ۱۵۴:	زریابل: ۵۴
۱۵۵	زردشت: ۴۹: ۵۰: ۵۱: ۶۲: ۱۲۸
سوار بن همام العبدي: ۱۱۴	زو بن طهباسب: ۱۳: ۱۴: ۲۹: ۳۸
سهرگاو: ۱۲	ابو زهیر بن ابی محمد فزاری: ۱۱۷:
سیاگاو (سیاه گاو): ۱۲	۱۱۸

شهربراز: ۱۹: ۲۴: ۲۵: ۴۰: ۴: ۱۰۴: ۱۰۴	سیامک: ۱۰: ۱۱
۱۰۹: ۱۰۵	سیاوش (سیاوش): ۱۴: ۱۶: ۴۱
شهرک: مرزبان: ۱۱۴: ۱۱۶	۴۴: ۴۶
شهرویه: ۲۵	سیاهمیل بن بهرست: ۱۵۶: ۱۶۷
شهریرامان بن اثقیان: ۱۴	سیف ذی یزن: ۹۵
شهبان بن ابی نصر بن هلاک: ۱۶۶	سینا: ۵۳
شیت بن آدم: ۲۶	شابه: خاقان: ۹۸
شیده بن افراسیاب: ۴۶	شاپور بن اردشیر: ۲۰: ۲۳: ۶۱
شبرویه بن ابروین: ۲۴: ۱۰۰: ۱۰۷	۱۴۱: ۱۴۲: ۱۴۵
۱۱۱: ۱۰۸	شاپور بن اشکان: ۱۷
شیرین: ۱۰۷	شاپور المجنود: ۲۰: انظر شاپور بن
صاحب عادل: ۱۴۹: ۱۶۶: ۱۷۲	اردشیر
صدقیا: ۵۳	شاپور ذو الاکتاف: ۲۰: ۲۱: ۲۲
ضحاک: ۱۱: ۲۵: ۲۴: ۲۶: انظر	۲۳: ۷۴-۶۶: انظر شاپور بن هرمز
بیوراسف	بن نرسی
ضیزن: ۶۱: ۶۲	شاپور بن شاپور بن هرمز: ۲۲: ۷۴
طالوت: ۵۴	شاپور بن هرمز بن نرسی: ۲۱: انظر
ابو طاهر بن ابی محمد فزاری: ۱۱۷	شاپور ذو الاکتاف
۱۱۸	شاپور بن یزدجرد الاثیم: ۲۵
الطبری: محمد بن جریر: ۸	شهر ذو الجناح: ۸۵
طوس: ۴۴	شمویل: ۴۰
طهباسب: ۱۴: ۱۴	شهرزاد: ۱۵: انظر خماني بنت بهمن
	بن اسفندیار
	شهربانویه بنت یزدجرد: ۴

طهپورث بن ايونجهان (ويونجهان) :	علي بن عيسى : وزير : ۱۷۱
۱۰ : ۲۹ - ۲۸ : ۶۴ : ۱۲۵ : ۱۴۲ :	عمر بن الخطاب : ۱۱۴ : ۱۱۴ : ۱۱۵ :
۱۴۵	عميد الدوله : ۱۲۴ : ۱۶۷
عبد الله بن عامر بن كرز : ۱۱۶	عويج : ۱۱
عبد الله بن عباس : ۱۱۷	عيص : ۱۶
عبد الله بن عبد المطلب : ۹۶	ابو غانم بن عميد الدوله : ۱۲۴
عبد الله بن ابي نصر بن ابي محمد	غياث الدين : ملك : انظر محمد بن
فزارى : ۱۱۸ : ۱۱۹	ملكشاه
عبد الملك بن مروان : ۱۲۲ : ۱۷۰	فاردون : ۲۰
عميد بن عويج : ۱۱	فاشن : ۱۳
عتبة بن فرقد السلمي : ۱۱۳	فراراوشنك : ۱۲
عثمان بن ابي العاص ثقفى : ۱۱۳	فرامرز بن هداپ : ۱۴۹
۱۱۴ : ۱۱۵ : ۱۱۶	فرخان : ۱۰۹ : انظر شهربراز
عثمان بن عفان : ۱۱۲ : ۱۱۵ : ۱۱۶	فرخ راز خسرو بن ابرويز : ۲۶ : ۱۱۱
عضد الدوله : ۱۱۷ : ۱۱۸ : ۱۲۲ :	فرخ هرمز : ۱۱۰
۱۲۳ : ۱۴۵ : ۱۴۱ : ۱۵۱ : ۱۵۶ :	فرکور : ۴
۱۶۸ : ۱۷۲	فرنگ بنت بهمن بن اسفنديار : ۱۵ : ۵۴
ابو العلاء : وزير : ۱۲۱	فروال : ۱۰
علاء حضرمي : ۱۱۳	فرود بن سياوش : ۴۴
علك بور : ۱۶۸	فشافشاه : ۲۵
علوان بن عميد : ۱۱	فضلويه بن ابي سعد : ۱۶۷
ابو علي بن الياس : ۱۱۷	فضلويه بن علي بن الحسن بن ايوب :
علي بن الحسن بن ايوب : ۱۶۶	۱۴۱ : ۱۴۳ : ۱۶۴ : ۱۶۵ : ۱۶۶ :
علي بن الحسين : ۴	۱۶۷ : ۱۷۲
علي بن ابي طالب : ۱۱۶	

کسری بن قباد بن هرمز: ۲۵	فئوخی: ۱۴
کتابیه: انظر کبابه	فیروز جشنسیده (جشنسده) بن بهرام:
کنجھوبرز: ۱۲	۱۱۰: ۲۵
کورک: ۱۲	فیروز دیلمی: ۱۰۶
کی شواسب (شواسف): ۴۷	فیروز بن هرمز: ۱۷
کیابنه: ۴۰: ۱۴	فیروز بن یزدجرد بن بهرام: ۲۲: ۲۳:
کیخسرو بن سیاوش: ۱۴: ۴۱: ۴۲:	۹۴: انظر پیروز بن یزدجرد
۴۴ ۴۷: ۴۳	فیلقوس: ۱۶: ۵۶
کیرش: ۵۳	فیل گاو: ۱۲
کیش: امیر: ۱۲۶: ۱۴۱	ابو القاسم: خان: ۱۲۶
کیفاشین: ۱۴	قاسم: خاقان: ۴۴: ۹۴: ۹۸
کیقباد بن زاب: ۱۴: ۴۰: ۴۹	قاوورد: ۱۲۱: ۱۲۴: ۱۶۶
کیکاوس بن کیابنه: ۱۴: ۱۶: ۱۸:	قباد بن فیروز (پیروز) بن یزدجرد:
۴۰-۴۳	۲۲: ۸۲: ۸۸: ۸۴: ۹۴: ۱۴۸
کیمنش: ۱۴	قباد بن هرمز: ۱۰۶
گردویه: خواهر بهرام چوین: ۱۰۳:	قتلش: امیر: ۱۲۷
۱۰۸	قسطنطین: ۶۹: ۷۰
گرشاسب بن وشتاسب: ۱۲: ۱۴: ۲۹	قیصر: ۷۵: ۱۰۲
گرشاسف: انظر گرشاسب	کابی: آهنگر اصفهانی: ۲۵
گلشاه: ۹: ۲۷: انظر گیومرث	کالب بن توفیل: ۴۰
گودرز: ۴۳: ۴۴: ۴۵: ۴۶	کرمانشاه: ۷۳: انظر بهرام بن شاپور
گودرز اشغانی: ۶: انظر جودرز	بن هرمز
گورگاو: ۱۲	کسری: از فرزندان اردشیر بن بابک:
گیو بن جودرز: ۴۱: ۴۶	۷۷: ۷۵

محمد بن بجیبی: ۱۶۵	گیومرث گل شاه: ۳: ۹: ۱۰: ۱۱:
محمد بن یوسف: ۱۳۲: ۱۶۹: ۱۷۰:	۲۷-۲۶: ۲۸: ۱۲۱: ۱۲۵:
محمود: بن سبکنگین: سلطان: ۱۱۸	
مریم: بنت قیصر روم: ۱۰۲: ۱۰۷:	للیانوس: ۷۰: ۷۱:
مزدک: ۲۴: ۸۴: ۸۵: ۸۶: ۸۷: ۸۸:	لهراسب بن فنوخی: ۵: ۱۴: ۱۵:
۸۹: ۹۰: ۹۱:	۴۸-۴۷: ۵۱: ۵۲: ۵۳:
مسعود: سلطان: ۱۶۵	لیطی: ۱۶:
مسیح: ۱۷:	
مصریم: ۱۶:	مازبد: ۲۴:
مغیره: ۱۱۴:	مأمون: خلیفه: ۱۷۰:
المقتدر بالله: ۱۷۱:	مانی: ۲۰: ۲۱: ۲۲: ۲۳: ۲۴: ۲۹:
مما بن نهر: ۱۶۵:	ماهلك: ۱۱۶:
منذر: ۷۴: ۷۵: ۷۶: ۷۸:	ماهویه: ۲۶: ۱۱۳:
منذر بن النعمان بن المنذر: ۹۷:	مایسو بن نوذر: ۱۳: ۱۴:
ابو منصور: بن باکالیجار: ۱۶۶:	متنبی: ۱۶۸:
۱۷۲	مجد الدوله: ۱۶۷:
منوچهر بن میشخوریار: ۹: ۱۲: ۱۴:	مجد الملك: ۱۱۸:
۱۴: ۲۷: ۲۸: ۱۶۴:	محمد النبی: ۱: ۲: ۴: ۵: ۷: ۲۳: ۲۴:
منوزا خسرو: ۲۵:	۹۶: ۹۷: ۱۰۴: ۱۰۶: ۱۱۴:
موسی النبی: ۳۸:	ابو محمد: قاضی القضاة: ۱۱۷: انظر
مونس: خادم: ۱۷۱:	ابو محمد عبد الله بن احمد
مهاذر جنسنس: ۱۰۹:	محمد الامین: خلیفه: ۱۷۰:
مهمت: ۱۶۶:	ابو محمد عبد الله بن احمد الفزاری:
میشخوریار: ۱۲:	۱۱۷
میشی: ۱۰: ۱۱:	محمد بن ملکشاه: ابو شجاع: ۲:
میطون: ۱۶:	محمد بن مہا: ۱۶۷:

ورک: خواهر جمشید: ۱۱	نافت: ۱۶
وشتاسب بن طهباسب: ۱۴: ۱۴	نرسه بن بلاش: ۱۷
وشتاسب بن لهراسب: ۲۰: ۱۵	نرسی اشغانی: ۱۹
۴۸ ۵۲	نرسی بن بهرام بن بهرام بن هرمز:
وشتاسف: انظر وشتاسب	۶۶: ۲۱
وشتاسف بن امیرویه: ۱۶۷	نرسی بن یزدجرد الاثیم: ۷۹: ۸۱
وهرز بن به آفرید بن ساسان: ۹۵	۸۲
۹۶	ابو نصر بن باکالیحار: ۱۷۲
ویرک: ۱۲	ابو نصر تیرمردانی: ۱۴۴: ۱۵۸
ویکرت: ۱۰: ۲۷: انظر برد	ابو نصر بن عمران: ۱۱۹
ویونجهاد: ۱۰	ابو نصر بن ابی محمد فزاری: ۱۱۷
ویونجهان: ۲۴: ۲۹	۱۱۸
هارون الرشید: ۱۷۰	ابو نصر بن هلاک: ۱۶۶
هامرز: ۱۰۵	نصیره بنت ضیضن: ۶۲
هرثیه بن جعفر البارقی: ۱۱۳	نظام الملک: ۱۲۱: ۱۶۶
هرس: ۱۶	نعمان بن المنذر: ۷۴: ۷۵: ۷۶: ۷۸
هرقل: ۱۰۴: ۱۰۵	۱۰۵: ۱۰۴
هرمز: ۱۰۲	نمرد بن مجیبی: ۱۶۵
هرمز بن انوشروان: ۲۴-۲۳: ۲۵	نمروذ بن بخت النصر: ۵۲
۹۹-۹۸: ۱۰۰: ۱۰۹	نوارک: ۱۱
هرمز بن بلاش: ۱۷	نوبه: ۱۶
هرمز بن حیّان العبدی: ۱۱۴	نوح النسی: ۲: ۲۶
هرمز بن شاپور بن اردشیر: ۲۰	نوذر: ۱۲: ۱۴
۶۳ ۶۴	نوفیل: ۱۶
	وبهزمنک: ۱۱

یزدانداز بنت انوشروان: ۲۵	هرمز بن نرسی بن بہرام: ۲۱: ۲۶
یزدجرد ائیم: ۲۲: انظر یزدجرد بن	هرمز بن یزدجرد بن بہرام: ۲۲:
بہرام بن شاپور	۸۲-۸۳
یزدجرد بن بہرام بن شاپور: ۲۲:	هرمس: ۱۶:
۷۴: ۷۵: ۷۶	ھزاراسب: ۱۲۱:
یزدجرد بن بہرام جور: ۲۲: ۸۲:	ھواسب: ۱۳:
یزدجرد بن شہریار: ۴: ۲۶: ۱۰۸:	ھوشنگ: انظر ھوشہنگ
۱۱۲-۱۱۱: ۱۱۴	ھوشہنگ: انظر ھوشہنگ
یزدجرد گناہ کار: ۱۱۰: انظر یزدجرد	ھوشہنگ پیشداد: ۹: ۱۰: ۱۱:
بن بہرام بن شاپور	۲۷-۲۸
یزدجرد نرم: ۲۲: انظر یزدجرد بن	ابو الہنج (?): ۱۶۷:
بہرام جور	یافت: ۲۶:
یوسانوس: ۷۰: ۷۱	ابن یامین بن یعقوب: ۱۴: انظر
یوشع بن نون: ۴۸	بن یامین
یونان: ۱۶	یحیی بن زکریا: ۶: ۱۸:

فهرست الاماکن والقبائل والکتاب وغیرها،

بنی ازد: ۱۱۳	آبادان، انظر قلعتها آبادان
اسپیددز: انظر قلعة اسپیددز	آباده: ۱۲۳: ۱۲۹: ۱۵۴: ۱۶۱: انظر
استاک: ۱۵۸	قلعة آباده
بنی اسرايل: ۵: ۶: ۱۸: ۳۸: ۴۰: ۵۴:	آذربيجان: ۴۷: ۵۰: ۷۹: ۸۳: ۸۵:
۵۴	۱۰۲: ۹۹
اسفیدان: ۱۲۳	آش: ۱۲۹
اسکندریه: ۱۰۴	آمد: ۸۸
اسمعیلیان: قومی از شیانکارگان:	ابرج: ۱۲۵: ۱۵۷
۱۶۴ ۱۶۵	ابرقویه: ۱۲۱: ۱۲۴: ۱۶۴
الاشتر: ۶۳	ابزر: ۱۳۵: ۱۵۲
اشغانیان: ۸: ۹: ۵۹: انظر اشغانیان	ارجات: ۸۴: ۱۱۵: ۱۲۱: ۱۴۸:
اشغانیان: ۱۶-۱۹: انظر اشغانیان	۱۴۹: ۱۵۲: ۱۶۲
اصطخر: ۲۶: ۲۷: ۲۸: ۳۲: ۴۹: ۵۰:	ارجمان: ۱۲۴
۵۱: ۶۰: ۶۹: ۱۱۱: ۱۱۶: ۱۱۷:	اردشیر خوره: ۶۰: ۱۱۴: ۱۳۷: انظر
۱۲۱: ۱۲۸-۱۲۵: ۱۳۲: ۱۶۰:	کوره اردشیر خوره
۱۶۴: انظر کوره اصطخر: قلعة	اردن: ۶
اصطخر	اردوانیان: ۵۹
اصطخر یار: ۱۵۹: انظر قلعة اصطخر	ارزان: انظر دشت ارزان
اصطهبان: ۱۳۱	ارزن: انظر بحيرة دشت ارزن:
اصطهبانات: ۱۶۵	مرغزار دشت ارزن

بادغیس: ۹۸	اصطهباناتان: انظر قلعة اصطهباناتان
باز آورد: گنج: ۱۰۴	اصفهان: ۲۹: ۵۸: ۷۲: ۸۴: ۱۱۲:
باز رنگ: ۱۴۴: ۱۵۲	۱۱۸: ۱۲۰: ۱۲۱: ۱۲۷: ۱۴۰:
باشت: انظر ديه باشت	۱۴۲: ۱۴۳: ۱۵۶: ۱۶۰: ۱۶۵:
باشت قوطا: ۱۴۲	۱۶۸
باغ: ۱۲۴	افزونی: انظر جزيرة افزونی
بجه: ۱۲۲: ۱۵۴	اقلید: ۱۲۴: ۱۶۰: انظر دز اقلید
بجر اخضر: ۱۵۴	انبار: ۷۲
بجر پارس: ۱۵۴	انبوران: ۱۴۴
بجر محیط: ۱۵۴	انديو: ۶۴
بجربین: ۶۰: ۶۸: ۶۹: ۱۱۳: ۱۱۴:	انطاکیه: ۶۴: ۹۴: ۱۰۲:
۱۲۰	اورد: ۱۲۲: ۱۵۵: انظر دشت اورد:
بجیره ارزن: ۱۵۴	مرغزار اورد
بجیره بختیگان: ۱۲۸: ۱۵۲: ۱۵۴:	اهواز: ۶۰: ۶۹:
بجیره درخوید: ۱۵۴	ایج: ۱۴۱: ۱۶۵:
بجیره دشت ارزن: ۱۵۴	ایران: ۹: ۱۲: ۱۳: ۳۸: ۴۵: ۵۲:
بجیره ماهلوبه: ۱۵۴	۵۶: ۸۴: ۹۸:
بجیره مور: ۱۵۴	ایران کرده: ۱۴۸:
بختیگان: انظر بجیره بختیگان	ایراهنستان: ۱۴۳: ۱۴۵: ۱۴۹:
برازه: نهر: ۱۴۴: ۱۴۷: ۱۵۱:	۱۴۰: ۱۶۰: ۱۶۹:
براق: ۱۲۶	ایگ: ۱۴۱: انظر ایج
برزخ شایور: ۷۲: انظر عکبرا	ایوان کسری: ۲۱: ۶۹: ۷۲: ۹۷:
بروات: نهر: ۱۵۴	بابل: ۲۸: ۴۴: ۴۸: ۴۰: ۵۳: ۵۸:
بسیرا: ۱۲۵: ۱۵۵:	۶۰: ۷۲:

بوی شاه: ۲۷: انظر اصطرخ	بشاپور: ۶۳: ۱۱۵: ۱۱۶: ۱۴۱:
به اردشیر: ۶۰	۱۴۲: ۱۴۵: ۱۵۲
به قباد: ۸۴	بشاوور: انظر بشاپور
بیت المقدس: ۵: ۶: ۴۸: ۵۲: ۵۴:	بشکان: ۵۴
۱۰۴: ۵۴	بصره: ۶۹: ۱۱۴: ۱۱۶: ۱۲۰: ۱۴۷:
بید: انظر ديه بید: مرغزار بید و	۱۵۴: ۱۵۰
مشکان	بغداد: ۶۴: ۷۲: ۱۱۸:
بی شاپور (بیشاپور): انظر بشاپور	بنی بکر بن وایل: ۶۹: ۱۰۶:
بیضا: ۱۲۹-۱۲۸: ۱۴۵: ۱۶۱:	بلاد شاپور: ۶۳: ۱۴۷:
پارس: ۲: ۳: ۴: ۷: ۸: الخ	بلاشانیان: ۱۸
پارسیان: ۴: ۶: ۷: ۸: ۱۱: ۱۳: الخ	بلخ: ۲: ۴: ۴۵: ۴۸: ۵۰: ۵۱: ۵۴:
پاودست: ۱۶۰: ۱۶۴:	۹۸
پربال: ۱۶۲	بلور: انظر جزيرة بلور
پرگ: ۱۲۹: ۱۳۰: ۱۵۹: ۱۶۱:	بند راهجرد: ۱۵۱
۱۶۲	بند عضدی: ۱۵۱: ۱۶۱:
پرواب: دبه: ۱۵۲	بند قصار: ۱۵۲
پرواب: نهر: انظر نهر پرواب	یوان: ۷۲: ۱۲۵: ۱۲۹:
پسا: ۱۱۵: ۱۳۰: ۱۳۴: ۱۳۹: ۱۶۲:	بودن: انظر ديه بودن
انظر فسا	بوستانک: ۱۶۲
پول نکان: ۱۴۸: ۱۵۰:	بوشتکان: ۱۶۳
پول نهروان: ۹۶	بوشکان: ۱۴۵
پوند: انظر ديه پوند	بوشکانات: ۱۳۵: ۱۶۳: انظر قلعة
پهندز: انظر قلعة پهندز	بوشکانات
	بوم پیر: ۱۴۸
	بوم جوان: ۱۴۸

ٲكان: ديه: ۱۵۲	پيشداديان: ۸: ۱۴- ۹: ۲۹- ۲۶:
ٲكان: نهر: انظر نهر ٲكان	۱۵۶
ٲود: ۵	
جنرويه: ۱۵۲	تارم: ۱۲۹: ۱۵۹: ۱۶۱: ۱۶۲
جرجان: ۸۴: ۸۳	تأريخ طبري: ۸
جرمق: ۱۶۱	تازيان: ۱۱: انظر عرب
جرواءان: ۷۳	ٲبت: ۵۱
جره: ۱۱۵: ۱۴۲: ۱۵۱: ۱۶۳	ترك (تركان): ۴۰: ۴۴: ۴۶: ۵۱: ۵۲:
جزجيركان: ۱۶۳	۷۸: ۸۰: ۹۷: ۹۹: ۱۰۳: ۱۲۳
جزيره افرزوني: ۱۴۱	تركستان: ۹: ۱۲: ۲۲: ۲۴: ۲۷: ۴۱:
جزيره بلور: ۱۵۰	۴۲: ۴۳: ۴۴: ۴۵: ۴۷: ۷۸: ۸۳:
جزيره خارك: ۱۵۰	۸۵: ۹۴: ۱۰۲: ۱۰۳: ۱۰۹
جزيره رم: ۱۵۰	تركمان: ۱۲۳
جزيره قيس: ۱۱۴: ۱۳۶: ۱۴۱	بني تغلب: ۶۹
جزيره لار: ۱۴۱	نكريت: ۶۱
جزيره هنگام: ۱۵۰	تل عترقوف: ۴۰: ۴۱
جلاجان: ۱۴۸: ۱۵۱	بني نعيم: ۶۹: ۱۱۲
جلادجان: انظر جلاجان	تنگ رنبه: ۱۳۱: ۱۵۹
جنايا: ۱۴۹: ۱۵۲: ۱۶۲: ۱۶۳	توج: ۱۱۴: ۱۳۵: ۱۶۳
جنبد: ۶۳: انظر جنبد ملغان	نوران: ۱۲: ۸۳
جنبد ملغان: ۱۴۳: ۱۶۰: انظر	توريه: ۲۸: ۵۲
جنبد: گنبد ملغان	نومره بست: ۱۶۴
جنديسابور: انظر جنديشايور	تهامه: ۱۰۶
	تيرمايجان: ۱۲۵: ۱۶۱
	قيرمردان: ۱۴۳: ۱۴۴: ۱۴۵: ۱۶۲
	قنز: ۱۱۷: ۱۲۰: ۱۷۲

حوض عضدی: ۱۵۶	جندی شاپور: ۶۴: ۶۵: ۶۶: ۶۹
حیره: ۷۴	جور: ۱۱۶: ۱۲۷: انظر فیروزآباد
خابور: ۸۴	جویکان: ۱۴۳: ۱۵۱
خارک: انظر جزیره خارک	جویم ابی احمد: ۱۴۲: ۱۵۵: ۱۵۹:
خبر: ۱۳۴: ۱۵۲: ۱۵۴	۱۶۱: ۱۶۲
خبرز: ۱۲۲: ۱۵۴	جهرم: ۵۴: ۱۱۵: ۱۳۱: ۱۵۷
خبرک: ۱۲۳	جهودان: ۵: ۶: ۱۸: ۴۸: ۵۴
خبس: ۱۴۸: ۱۴۹: انظر خبس	جیعون: ۳۸: ۴۰: ۴۵: ۹۸: ۱۲۰
خجند: ۸۳	جیس: ۵۰: ۷۹
خراره: ۱۴۳: ۱۴۴: ۱۶۶	جیلویه: کوه: ۱۴۸
خراسان: ۳۷: ۴۴: ۴۵: ۶۱: ۷۲: ۷۹:	چهار دبه: ۱۴۸
۹۴: ۹۸: ۱۰۲: ۱۰۴: ۱۱۰: ۱۱۲:	
۱۴۷	
خرقان: ۱۴۳	حبس: ۱۶۲: انظر خبس
خرمه: ۱۲۹: ۱۶۲: انظر قلعه خرّمه	حشه: ۸۲: ۹۵: ۹۶
خزر (خزران): ۴۵: ۹۴: ۹۵: ۹۷	حتیزیر: ۱۴۹
خشت: ۱۴۳: ۱۵۲: ۱۶۳	حزه: ۶۰
خط: ۶۱: ۶۸	حسّیان: ۴
خلار: ۱۴۴: ۱۶۲	حسو: ۱۴۱
خما سجان: ۱۴۵	حسّینیان: ۴
خنافگان: ۱۳۴: انظر خنیفقان	حفرک: ۱۲۶
خنیفقان: ۱۳۴: ۱۵۱: ۱۶۳	حلوان: ۸۴
خوابدان: دبه: ۱۶۲	حمیر: ۵۰: ۵۱
خوابدان: نهر: انظر نهر خوابدان	بنی حنظله: ۶۹
	حورشی: ۱۴۱

دز خرشه: ۱۶۶: انظر قلعة خرشه	خوادان: انظر قلعة خوادان
دز کلات: ۱۴۹	خوار: ۱۲۴: انظر ديه خوار: قلعة
دسکره: ۶۴	خوار
دشت ارزان: ۱۶۳	خوارزم: ۸۰: ۷۹
دشت ارزن: انظر بحيرة دشت ارزن:	خوزستان: ۶۴: ۶۳: ۶۱: ۶۰:
مرغزار دشت ارزن	: ۱۴۷: ۱۲۱: ۱۲۰: ۷۲: ۶۹: ۶۸
دشت آورد: ۱۶۰: ۱۶۴	۱۶۲: ۱۵۰: ۱۴۹
دشت باری: ۱۴۳: انظر غنجدجان	خیره: ۱۶۲: ۱۵۹: ۱۴۲: ۱۲۸:
دشت رون: ۱۶۰	
دشت شاه ستون: ۴۵	داذین: ۱۲۷
دمشق: ۵: ۱۴۷	دارابجرد: ۱۲۹: ۱۱۵: ۵۵: ۱۲۱:
دوان: ۱۲۷	۱۵۹: ۱۶۲: ۱۶۵: انظر کورة
دودمان: ۱۴۴	دارابجرد: مرغزار دارابجرد
دورق: ۱۴۶	داربگرد: انظر دارابجرد
دیار بکر: ۶۸	داریان: ۱۶۱
دیبیل: ۸۲	دارین: ۶۹
دیر: ۱۴۸	دامغان: ۱۲۰
دبلم (دیلمان): ۷: ۹۵: ۱۱۷: ۱۱۹:	دباوند: ۲۶: ۲۷: ۴۶:
۱۴۲: ۱۴۴: ۱۴۶: ۱۴۱: ۱۶۴:	دجله: ۹۰
۱۶۶: ۱۶۵	دراکان: ۱۴۱: ۱۶۵:
دین دلا: ۶۴: ۱۴۲: انظر بشاپور	درخوید: انظر بحيرة درخوید
دیه باشت: ۱۶۰	دریاه نیکستان: ۱۴۰
دیه بودن: ۱۶۱	دریست: ۱۴۵
دیه بید: ۱۶۱: ۱۶۴	دز ابرج: ۱۵۷
دیه پولند: ۱۶۱	دز اقلید: ۱۵۷

رمّ روان: انظر قلعة رمّ روان	ديه ترسان: ۱۶۱
رمّ زوان: ۱۳۷: انظر رمّ الذیوان	ديه خوار: ۱۶۱
رمّ الکاریان: ۱۶۸	ديه شنانا: ۱۶۳
رمّ اللوالجان: ۱۶۸	ديه شیر: ۱۶۴
رنبه: انظر تنک رنبه: قلعة رنبه	ديه علی: ۱۴۵
رود بشاپور: ۱۴۲: انظر نهر بشاپور	ديه کرم: ۱۶۲
رود شیرین: ۱۴۴: انظر نهر شیرین	ديه گرگ: ۱۶۰
رود کاسرود: ۴۴	ديه گوز: ۱۶۲: ۱۶۰: ۱۴۳: ۱۲۴
رود کُر: انظر کُر	ديه مالک: ۱۶۳: ۱۵۲
رود گرّه: ۱۴۲: انظر نهر جرّه	ديه مورد: ۱۶۱: ۱۲۹
رود مشرقان: ۶۱	ذوقار: ۱۰۵: ۱۰۶
رودان: ۱۲۱: ۱۶۱	رادان (رازان): ۱۶۱: ۱۲۹
رودبال سنجان: ۱۶۳	رامانیان: قومی از شبانکارگان: ۱۶۶
روشن فیروز: ۸۳	راهمجد: ۱۲۶: ۱۲۸: ۱۵۱
روم: ۵: ۲۷: ۴۸: ۵۵: ۵۷: ۵۸	رامفیروز: ۸۳
۶۹: ۷۱: ۷۵: ۷۸: ۸۲: ۸۵: ۸۸	رامهرمز: ۶۴
۹۴: ۹۷: ۹۸: ۱۰۰: ۱۰۲: ۱۰۴	راهبان: ۱۴۵
۱۰۴: ۱۰۵	رستاق الرستاق: ۱۶۲: ۱۴۱
رومیان: ۹: ۱۶: ۵۵: ۵۸: ۵۹: ۶۹	رم: انظر جزيرة رم
۷۱: ۷۴: ۱۰۴: ۱۰۵	رمّ البازنجان: ۱۶۸
رومیّه: ۵۲: ۷۲: ۹۴	رمّ جیلویه: ۱۶۸
رون: ۱۲۴: ۱۶۰: انظر مرغزار رون	رمّ الذیوان: ۱۶۳: ۱۶۸: انظر
رونیز: ۱۳۰	رمّ زوان
روبین دز: ۵۲	
ری: ۸۴: ۱۲۰: ۱۶۷	

سروات: ۱۲۳: انظر مرغزار كنه و سروات	ریشهر: ۱۱۴: ۱۴۹: ۱۵۰
سروستان: ۱۴۹: ۱۵۴: ۱۶۲	زاب اسفل: ۴۹
سغد: ۱۴۷	زاب اعلى: ۴۹
سپهران: انظر قلعة سپهران	زاب اوسط: ۴۹
سپيرم: ۱۲۱: ۱۴۴: ۱۴۸: ۱۵۰:	زابلستان: ۴۳: انظر زاوولستان
۱۵۲: ۱۶۰: ۱۶۱	زابسين: ۴۹
سند: ۷۳: ۹۴: ۱۵۴	زاوولستان: ۴۱: ۴۳: ۹۴
سوس: ۲۸	زرقان: ۱۶۰: ۱۶۴
سه گنبدان: ۴۲: ۱۲۶: ۱۵۶	زنجبار: ۱۵۴
سپاره: انظر قلعة سپاره	زند: كتاب: ۴۹: ۵۱: ۶۲: ۱۲۸
سیراف: ۱۲۷-۱۲۶: ۱۴۰: ۱۴۱:	زند و پازند: كتاب: ۵۰
۱۴۹: ۱۵۲: ۱۶۴: ۱۷۱: ۱۷۲	زندان باد: ۱۲۷
سیرجان: ۱۲۱: انظر شیرجان	زیر: ۱۴۴: ۱۴۸
سیستان: ۴۴: ۵۲: ۶۵: ۷۲	سارویه: ۲۹
سیف: ۱۴۱: ۱۴۵: ۱۴۰: ۱۶۳	ساسانیان: ۸: ۹: ۱۵: ۲۶-۱۹:
سیف آل ابی زهیر: ۱۴۰	۶۰-۱۱۳
سیف عباره: ۱۴۰	ساوه: ۹۷
سیکان: انظر مرغزار سیکان	ساویه: ۱۴۱
سیخت: ۱۴۴: ۱۵۲	سعیان: ۱۱۹
سینیز: ۱۱۴: ۱۴۹: ۱۵۰: ۱۵۲:	سجّان: انظر رودبال سجّان
۱۶۳: ۱۶۲	سنوح: ۱۱۵
شاپورخواست: ۶۳: ۱۱۶	سجستان: ۶۵
	سرمق: ۱۲۴: ۱۶۰: ۱۶۱

شهر رستم: ۵۲	شاپورخوره: ۱۱۵: ۱۶۷: انظر کوره
شهرآباد کواد: ۸۴	شاپورخوره
شهرزور: ۵۸	شادروان شوشتر: ۶۳: ۷۲
بنی شیبان: ۱۰۵	شادشاپور: ۶۳
شیدان: انظر مرغ شیدان	شادفیروز: ۸۳*
شیراز: ۱۱۵: ۱۱۷: ۱۴۴-۱۴۳:	شام: ۲۸: ۵۲: ۶۸: ۱۳۵
۱۴۹: ۱۴۴: ۱۵۲: ۱۵۳: ۱۵۴:	شاهستون: انظر دشت شاهستون
۱۵۵: ۱۶۰: ۱۶۱: ۱۶۲: ۱۶۳:	شبانکارگان مسعودی: ۱۳۵: انظر
۱۶۴: ۱۷۰: ۱۷۳	مسعودیان
شیرجان: ۱۵۲: انظر سیرجان	شبانکاره (شبانکارگان): ۱۳۰: ۱۳۳:
شیرین: ۱۵۲	۱۴۵: ۱۵۸: ۱۶۷-۱۶۴: ۱۶۹
صابثان (صابیان): ۴۴: ۴۹	شتشگان: ۱۴۶
صاهه: ۱۲۵: ۱۶۱: ۱۶۳	شروان: ۹۵
صرام: ۱۴۴	شعب بوآن: ۱۴۷-۱۴۶
صفه شبدیز: ۱۰۷	شق رودبال: ۱۳۰
صمکان: ۱۳۹: ۱۵۲: ۱۶۳	شق میشانان: ۱۳۰
صین: ۲۰: ۴۴: ۴۷: ۴۵: ۴۸: ۵۰:	شکانیان: قومی از شبانکارگان: ۱۶۷
۵۱: ۵۸: ۶۲: ۶۵: ۸۵: ۹۴: ۹۷:	شگی: ۹۵
۱۱۲: ۱۵۳	شکنوان: انظر قلعه شکنوان
ضادشوبانان: ۱۶۴	شنانا: انظر ديه شنانا
طاب: نهر: انظر نهر طاب	شنانان: ۱۳۵
طبرستان: ۴۷: ۸۴: ۱۲۰:	شورستان: ۱۲۳: ۱۶۱
	شوش: ۷۲
	شوشتر: ۶۳: ۷۲
	شهر بایک: ۱۶۱

عَمَّان: ۶۹: ۱۱۳: ۱۱۴: ۱۱۷: ۱۲۱:	طبریه: ۵
۱۷۲: ۱۷۱: ۱۷۰: ۱۵۳	طخارستان: ۹۴
غزنه: ۱۱۸	طربال: ۱۴۸
غندجان (غندیجان): ۱۴۳: ۱۵۱:	طبیدر: کوه: ۵۲
۱۶۴: ۱۵۷	طور: ۱۲۹: ۱۶۱
غوطه دمشق: ۱۴۷	طهران: ۱۴۴
فارس: انظر پارس	طیسبون: ۷۱: ۷۲: ۷۵: ۱۰۸: ۱۰۹:
فاروق: ۱۲۵: ۱۶۵	انظر مداین
فخرستان: ۱۲۸: ۱۵۱	طبرجان: ۱۵۴
فرات: ۴۷: ۹۸: ۱۰۰: ۱۱۹: ۱۲۰:	عاد: ۵
فرزك: ۱۴۸: ۱۶۲	بنی عبد قیس: ۶۹: ۱۱۳: ۱۱۴:
فُرس: ۲: ۴: ۷: ۸: ۹: ۴۲: ۴۳: الخ	عدن: ۹۶: ۱۵۴
فرشاپور: ۷۳	عُذیب: ۱۱۱
فرع: ۱۷۲	عراق: ۵: ۲۸: ۴۷: ۴۹: ۴۸: ۵۲:
فرعان: ۱۴۰	۶: ۷۱: ۸۴: ۱۰۲: ۱۱۷: ۱۲۰:
فرغانه: ۹۴	عرب (العرب): ۴: ۸: ۱۱: ۱۴: ۲۱:
بنی فزاره: ۱۱۷	۴۲: ۴۳: ۵۰: ۵۱: ۶۱: ۶۳: ۶۶:
فسا: ۵۴: انظر پسا	۶۷: ۶۸: ۶۹: ۷۰: ۷۱: ۷۲: ۷۴:
فستجان: ۱۱۵: ۱۴۱: ۱۶۲: ۱۶۵:	۷۵: ۷۸: ۸۵: ۹۷: ۱۰۴: ۱۰۵:
فلسطين: ۶: ۱۷: ۴۸:	۱۰۶: ۱۰۷: ۱۱۲: ۱۱۳: ۱۱۴:
فهرج: ۱۲۲: ۱۷۱	۱۱۷: ۱۲۰: ۱۴۱: ۱۴۵: ۱۴۸:
فهل: ۱۷۱	۱۴۰: ۱۶۴
	عقرفوف: نل: ۴۱
	عکبرا: ۷۳

قلعہ بوشکانات : ۱۵۶	فیروزآباد : ۶۰ : ۱۴۲ : ۱۴۴
قلعہ برگ و تارم : ۱۵۹	۱۴۹-۱۴۷ : ۱۵۱ : ۱۵۸ : ۱۶۴
قلعہ پھندز : ۱۶۶ : ۱۴۴	۱۶۷
قلعہ تیر خدای : ۱۵۹	فیروزرام : ۸۴
قلعہ جنبد ملغان : ۱۶۰	فیروزشاپور : ۷۲ : انظر انبار
قلعہ خرشہ : ۱۴۱ : ۱۵۷	
قلعہ خرّمہ : ۱۲۹ : ۱۵۹	قادیسیہ : ۱۱۱ : ۱۱۲
قلعہ خوادان : ۱۵۹	قالی : ۱۲۳ : انظر مرغزار قالی
قلعہ خوار : ۱۲۴ : ۱۵۷	قبادخورہ : ۸۴ : ۱۱۵ : انظر کورہ
قلعہ رم روان : ۱۵۷	قبادخورہ
قلعہ رنبہ : ۱۵۹	قبق : کوبہ : ۷۹
قلعہ سپید : ۱۴۷	قرآن : ۵ : ۷ : ۴۰ : ۵۰ : ۶۲
قلعہ سبیران : ۱۴۲ : ۱۵۹	قرمیسین : ۱۰۷
قلعہ سہارہ : ۱۴۹ : ۱۵۸ : ۱۶۷	قریش : ۴
قلعہ شکستہ : ۴۲ : ۱۲۶ : ۱۵۶	قسططنینیہ : ۶۹ : ۷۰ : ۷۱ : ۹۴
قلعہ شکنوان : ۴۲ : ۱۲۶ : ۱۵۶	۱۰۴
قلعہ کارزین : ۱۵۹	قصر شیرین : ۱۰۷
قہستان : ۱۶ : ۴۸ : ۴۹ : ۵۸ : ۱۲۰	بنی قضاہ : ۶۱
۱۲۲	قطرہ : ۱۲۸ : ۱۶۲
قہستان : از کورہ اصطخر : ۱۲۴	قلعتہاء آبادان : ۱۵۸
قیر : ۱۴۵ : ۱۵۲	قلعہ آبادہ : ۱۵۷
	قلعہ اسپداز : ۱۵۸
کارزین : ۱۴۵ : ۱۴۰ : ۱۵۲ : ۱۶۴	قلعہ اصطخر : ۴۲ : ۵۱ : ۱۲۶ : ۱۵۶
انظر قلعہ کارزین	۱۵۹ : ۱۶۶
کاریان : ۱۴۵	قلعہ اصطہبانان : ۱۵۷